

## تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی<sup>۱</sup>

سهیلا صادقی فسایی\*، ایمان عرفان منش\*\*

**چکیده:** نهادهای اجتماعی جامعه ایران در سیر تحولات ناشی از مدرنیته به طور کامل، یکسان و هم‌زمان دچار تغییر نشدند. در این میان، سطوح خرد، میانه و کلان در ساختار خانواده به گونه‌ای ناهماهنگ نسبت به تغییرات جامعه، متأثر گردید. از این رو، امروزه شاهد برهم‌کنشی ناسازگار بین برخی از اجزای مرتبط با خانواده سنتی با پاره‌ای از ارزش‌های برخاسته از مدرنیته می‌باشیم. هم‌چنین، به دلیل عدم سنخیت برخی از تحولات خانواده با تغییرات فعلی جامعه، این امر به منشأیی برای بروز آسیب‌ها و مسائل اجتماعی شده است. در چنین وضعیتی، نه می‌توان خانواده‌ها را به نظام هنجاری سنتی خانواده ترغیب کرد و نه می‌توان پذیرش نظام هنجاری مدرن را مطلوب دانست. آنچه در این مقاله در خلال طرح مناقشات نظری درباره وضعیت و چشم‌انداز خانواده پیشنهاد می‌شود، ضرورت شکل‌گیری الگویی از خانواده است که ضمن سازگاری با دو مؤلفه هویتی جامعه ایران؛ یعنی دین و فرهنگ ملی، از توان جذب مؤلفه‌های جدید متناسب با تحولات اخیر نیز برخوردار باشد و بتواند با فراهم آوردن برخی قابلیت‌ها، از مسائل اجتماعی در خانواده، پیشگیری نماید.

**واژه‌های کلیدی:** آسیب‌شناسی خانواده، ساختار خانواده، الگوی ایرانی اسلامی خانواده، مدرنیته.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>. این مقاله، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌باشد.

\* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

\*\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۹/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۱/۲۸

### ۱- مقدمه و بیان مسأله

با توجه به دگرگونی‌های تدریجی خرد و کلان اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از رویارویی نظام اجتماعی ایران با جریان مدرنیته، این مواجهات به شکل‌گیری تأملات اجتماعی در جامعه ایران منجر شد؛ به گونه‌ای که مقارن با مشغول‌ساختن ذهن برخی از متفکران اجتماعی پیرامون چیستی و چگونگی تحولات و پیامدهای آن، به تدریج تأثیراتی را در لایه‌های نظام اجتماعی نمایان و هویدا ساخت که نهاد خانواده از مهم‌ترین بخش‌های اثر پذیرفته از این تحولات بود. به دنبال تغییرات تدریجی حاصل از مدرنیته در جامعه، گروه‌های اولیه که مصداق بارز آن نهاد خانواده است، در کنار سایر گروه‌های ثانویه قرار گرفته و از قدرت و نفوذ اجتماعی‌شان کاسته شد [۱۶، ص ۱۲]. هم‌چنین، فرآیند نوسازی در ایران بیش‌تر در حوزه روابط سنتی خانواده مؤثر بوده، به نحوی که ایران در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی نسبت به روابط خانوادگی نوگراتر بوده است [۵، ص ۱۱۹]. در واقع، از بین رفتن روابط فتووالی، رشد شهرنشینی، توسعه طبقه متوسط و صنعتی‌شدن کشور، از عواملی هستند که خانواده ایرانی را به‌ویژه پس از دوران قاجار و پهلوی اول متحول کردند [۶۳، ص ۱]. هم‌چنین در ادامه، با رشد بطئی سبک‌های زندگی جدید، ضرورت بسط هنجارها و الگوهای اجتماعی مدرن مورد توجه قرار گرفت. از این رو، همان‌طور که چیل می‌گوید، خانواده دقیق‌ترین و شفاف‌ترین نهاد اجتماعی است که حوادث بزرگ و تاریخی جهان را انعکاس می‌دهد [۲۳، ص ۸]. به اعتقاد گوروچ، خانواده پدیده‌ای است که هر لحظه در حال دگرگونی بوده و از فراگردهای «ساخته شدن»، «از ساخت افتادن» و «بازساختی شدن» برخوردار است. با گذشت زمان و ورود ایران به مرحله‌ای خاص از پیشرفت و با عنایت به پیامدهای ناخواسته جهانی شدن، ضرورت توجه به وضعیت خانواده ایرانی بیش‌تر مشخص می‌شود زیرا: **اولاً؛** شاهد باقی ماندن برخی از هنجارهای الگوی سنتی خانواده که بعضاً ناهماهنگ و نامتجانس با تغییرات جدید بوده، می‌باشیم.<sup>۲</sup> خانواده ایرانی پس از تحولات ناشی از مدرن‌شدن در بستر جامعه، تغییراتی را تجربه کرد که از نظر ابعاد، سرعت تغییرات، سنخیت، تجانس، پیچیدگی و مقاومت عناصر سنتی - برجای مانده از خانواده پدرسالار - با تحولات جامعه متفاوت بود. پس از وقوع و تأثیر این تغییرات، آسیب‌ها و مسائلی در خانواده و به تبع آن در جامعه ایجاد شده که لازم است برای پیشگیری از تشدید آن‌ها و یا مقابله با آن‌ها، ماهیت تغییرات خانواده، ابعاد و پیامدهای آن بازشناسی شود. **ثانیاً؛** شاهد غفلت در اتخاذ الگویی مناسب برای تحلیل و سیاست‌گذاری‌های مقتضی با نهاد خانواده ایرانی هستیم. الگویی که در مواجهه با واقعیت‌ها و

<sup>۲</sup> به تعبیر روبن هیل، نوعی تأثیر از الگوهای اجتماعی غرب و تلفیق آن با الگوهای ایرانی در اشکال جدید خانواده دیده می‌شود [۶۳، ص ۲].

تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی ۶۵

مسائل موجود در خانواده ایرانی از کفایت ذهنی و عینی مناسبی برخوردار باشد و با تحولات اخیر جامعه ایران نیز هم‌سویی بیش‌تری داشته باشد. به نظر می‌رسد که معرفی الگوی مناسب، زمانی میسر خواهد بود که نخست بتوان سیمای جامعه‌شناختی کنونی خانواده ایرانی را بازنمایی کرد.

از این رو، مقاله حاضر بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخی جامعه‌شناختی دهد: (۱) مهم‌ترین ویژگی‌های خانواده ایرانی بعد از مدرن‌شدن کدام‌اند؟ (ابعاد تغییرات و پیامدها) (۲) عوامل تغییر خانواده کدام‌اند؟ (۳) وضع فعلی خانواده ایرانی چگونه است و از منظر جامعه‌شناسی چه توصیه‌های مقدماتی می‌توان برای ویژگی‌های الگوی خانواده ایرانی اسلامی ارائه داد؟

به‌لحاظ روش‌شناسی، این مقاله از اجماع «سه سویه»<sup>۳</sup> در سه زمینه داده‌ها (منابع)، نظریات و تکنیک‌ها (اسنادی، بازخوانی و تحلیل متون، مقایسه و تطبیق‌های ترکیبی، تحلیل آمارهای موجود) استفاده کرده است تا اعتبار و قابلیت اعتماد مورد نظر در روش‌های کیفی را افزایش دهد.

## ۲- پیشینه تحقیق

اطلاعات درباره خانواده قدیم ایرانی -علاوه بر کتب تاریخی- محدود به دو منبع دیگر می‌باشد: یکی خاطرات و شرح حال بزرگان و دیگری سفرنامه‌های خارجی [۹، صص ۴۷ و ۴۸]. مطالعات بعدی درباره خانواده در حال گذار ایرانی، برای اولین بار توسط مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان در سال ۱۳۳۷ آغاز گردید که روش بررسی آن‌ها کمی و آماری بود [۳، صص ۳ و ۴]. امروزه، آن‌چه که در بسیاری از تحقیقات دیده می‌شود، غلبه رویکردهای کارکردگرایی ساختاری و اخیراً رویکردهای جنسیتی و مطالعات فرهنگی می‌باشد. درباره تغییرات در خانواده ایرانی، پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی به چشم می‌خورد. با مروری بر این آثار می‌توان گفت که تحقیقات عموماً در سه جهت حرکت کرده‌اند: دسته اول؛ تحقیقاتی هستند که بر تغییرات ویژگی‌های کارکردی و یا ساختاری خانواده متمرکز می‌باشند [۲؛ ۳؛ ۶؛ ۱۷؛ ۲۱؛ ۴۶؛ ۵۴؛ ۶۷]. دسته دوم؛ تحقیقات با نگاه آسیب‌شناختی به مسائل مربوط به خانواده پرداخته‌اند که برخی از آن‌ها دارای رویکرد فمینیستی و برخی دیگر حقوقی است. این دسته، موضوعات زیر را دنبال کرده‌اند: جایگاه و هویت زنان و کودکان؛ وضعیت تقسیم کار خانگی بین زن و مرد؛ بررسی انواع خشونت‌های آشکار و پنهان خانگی (علیه کودکان، زنان و سالمندان) [۱۵؛ ۱۹؛ ۲۵؛ ۳۲؛ ۴۴]. دسته سوم تحقیقاتی را شامل می‌شود که تغییرات و تحولات خانواده در ابعاد مختلف از جمله؛ شیوه‌های همسرگزینی، علل فروپاشی، ساختار اقتدار، نوع و بُعد خانواده را رصد کرده‌اند [۲۶؛ ۴۱؛ ۴۳؛ ۴۷؛ ۵۱؛ ۵۵].

3 . Triangulation

### ۳- ملاحظات نظری

بر اساس «دیدگاه تعاملی دیالکتیکی»، پدیده‌های اجتماعی پدیده‌هایی متصلب و لایتغیر نیستند بلکه حاصل ترکیبی از ذهنیت، معنا و غایت بوده و همواره در حال تغییر و شدن هستند. پدیده‌های اجتماعی بر یکدیگر اثر گذاشته و یکدیگر را محدود و مشروط می‌کنند [۱۳، ص ۴]. از این رو، عنصر «زمان» در ساحت‌های گذشته، حال و آینده در پدیده‌های اجتماعی اثر گذاشته و به لحاظ معرفت‌شناسی، پویایی و انعطاف‌پذیری را در طول زمان را سبب می‌شود؛ به گونه‌ای که جدا کردن پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی از خصلت زمان‌مندی‌شان غیر ممکن خواهد بود. از این رو، برخی معتقدند بهتر است خانواده را با رهیافتی دیالکتیکی مطالعه کنیم چرا که هر تعادل و توازنی در خانواده، حالتی ناپایدار و گذرا دارد و همواره عوامل خاصی وجود دارند که این تعادل را برهم می‌زنند و باعث ایجاد تغییراتی در آن می‌شوند. در این تفکر، خانواده هم‌زمان با پیوندها و تقابلهای روبه‌روست که گریزی از آنها نخواهد داشت [۶۰، صص ۳۵۹ و ۳۶۰؛ نک: ۷۰]. «رنه کونینگ»<sup>۴</sup> بر این باور است که بر طبق تقسیم‌بندی جامعه‌شناسی کلان و جامعه‌شناسی خرد، دو نوع بررسی از پدیده خانواده ضروری است: (۱) نگرش به خانواده در ارتباط با کل جامعه و با در نظر گرفتن مناسبات کلی جامعه. (۲) نگرش به خانواده به عنوان نظامی خاص یعنی گروهی کوچک با ساختار و کارکرد خاص خود [۹، ص ۷۲]. با عنایت به این دیدگاه، می‌توان به تأثیر و تأثر متقابل تغییرات خانواده و سایر نهادها و جریان‌های اجتماعی در ایران اشاره کرد.

با توجه به این که در این مقاله، تغییرات ساختی کارکردی نهاد خانواده نیز بررسی خواهد شد، نظریه «مکتب کارکردگرایی ساختاری» درباره دامنه و چگونگی تحولات خانواده، می‌تواند مورد استفاده واقع شود. در مکتب کارکردگرایی خانواده نهادی است که وجود و بقای آن وابسته به وظایف و کارکردهایی است که بر عهده دارد. با ضمیمه کردن دیدگاه مکمل یعنی «ساخت‌گرایی»، می‌توان گفت، هر گونه تغییری که اساس و شالوده نهاد خانواده را تهدید نکند، قابل پذیرش است. بنابراین، در هر دوره، وظایف و کارکردهایی از سوی جامعه متناسب با نقش‌ها و نیازهای حادث شده، بر عهده خانواده گذاشته می‌شود که نسبت به گذشته می‌تواند شکل و جهت‌گیری مختلفی در انجام آن وظایف پدیدار شود [۲، ص ۴؛ ۳، صص ۲۴۹ و ۲۵۰].

در بین نظریات مرتبط با «دیدگاه نوسازی»، می‌توان به دو نظریه «نیل اسملسر»<sup>۵</sup> و «اس. ان. ایزنشتاد»<sup>۶</sup> اشاره کرد: اسملسر معتقد است که در یک جامعه پیشرفته، تمایزات ساختی یا تفکیک

<sup>4</sup> R. Koenig

<sup>5</sup> N.J.Smelser

<sup>6</sup> S.N.Eisenstadt

کارکردی عناصر ساختی، به طور کامل صورت گرفته است در حالی که جوامع غیر پیشرفته و در حال توسعه، فاقد چنین تفکیکی هستند [۷، ص ۲۶]. در میان این جوامع شاهد تغییراتی غیرهمزمان و ناهماهنگ به هم‌راه نوعی تأخر و تقدم در چهار قلمروی سیاسی، دینی، خانواده و نظام اجتماعی- طبقاتی هستیم [۶۹، ص ۹۶]. ایزنشتاد معتقد است، کشورهای پیشرفته از عنصر انعطاف‌پذیری برای پذیرش تحولات برخوردار بوده و هستند اما سایر کشورها این ویژگی را ندارند [۸، ص ۱۹۷]. بر اساس نظر ایزنشتاد، معمولاً خانواده در مقابل بعضی از تغییرات، از خود مقاومت نشان می‌دهد. «هلموت شلسکی»<sup>۷</sup> نیز معتقد است که هر اندازه که در خانواده بقایای کارکردهای نهادی بیش‌تر باقی مانده باشد، خانواده ثبات بیش‌تری دارد. منظور او از کارکردهای نهادی، کارکردهایی است که باوجود صنعتی شدن و تکامل کارکردهای عمومی اجتماعی هنوز در خانواده باقی مانده‌اند اما هر اندازه که این بقایای کارکردی در خانواده بیش‌تر پذیرفته شود، حاکی از انعطاف‌پذیری خانواده است. شرایط اول، بیش‌تر در خانواده‌های روستایی و دومی در خانواده‌های شهری دیده می‌شود [۹، صص ۷۹-۷۶].

«آنتونی گیدنز»<sup>۸</sup> تغییرات در حال وقوع در کشورهای در حال توسعه را ناشی از تأثیر صنعت و زندگی شهری و بالتبع تفوق خانواده هسته‌ای می‌داند. گیدنز تغییرات عمده خانواده را در محورهای زیر معرفی می‌کند: (۱) از دست دادن نفوذ گروه‌های خویشاوندی به هم پیوسته؛ (۲) رواج روند انتخاب آزادانه همسر و کاهش ازدواج‌های تنظیم شده؛ (۳) افزایش حقوق زنان هم از نظر حق انتخاب در ازدواج و هم تصمیم‌گیری در خانواده؛ (۴) کاهش نقش گروه خویشاوندی به عنوان عامل سازمان‌دهنده روابط زناشویی؛ (۵) رشد آزادی‌های جنسی؛ (۶) گسترش حقوق کودکان؛ (۷) تبدیل شدن خانواده به مثابه مجموعه‌ای از ارتباط‌های عاطفی و نه واحدی اقتصادی؛ (۸) تغییر نگرش نسبت به انتظارات از نقش‌های زن و مرد متأثر از معرفت «باز اندیشانه»<sup>۹</sup> [۱۹، صص ۱۴-۱۶؛ ۲۰، صص ۳۹۷ و ۳۹۸؛ ۵۳، صص ۴۳۱-۴۳۳].

#### ۴- ابعاد تحولات خانواده ایرانی در رویارویی با فرآیند مدرن شدن

##### ۴-۱- روابط میان فردی

۴-۱-۱- امکان انتخاب و زندگی خصوصی: برای تبیین تأثیرات مدرنیسم در خانواده، باید به مفاهیمی از جمله امکان انتخاب، قلمروی زندگی و زندگی خصوصی توجه داشته باشیم [۶۳، ص ۲۶]. استقلال فردی و عدم وابستگی به دیگران به‌خصوص نزدیکان نیز از متغیرهای مرتبط با

7 . H.Schelsky

8 . A.Giddens

9 . Reflexivity

نوسازی می باشد [۸، ص ۱۷۶]. به تعبیر دورکیم، مهم‌ترین ویژگی جوامع مدرن، تقسیم کار پیچیده و به وجود آمدن ساختارهای تازه با کارکردهای متمایز از درون ساختارهای موجود و سنتی می‌باشد. لذا موقعیت‌ها و نقش‌های اجتماعی نسبتاً زیادی شکل می‌گیرد که به امکان انتخاب بیش‌تر منجر می‌شود [۶۲، ص ۲۵]. در خانواده هسته‌ای، زوج جوان پس از ازدواج، وارد هیچ‌یک از خانواده‌های جهت یاب نمی‌شوند بلکه واحدی مستقل برای زندگی خود تشکیل می‌دهند و نو مکان می‌شوند. این، یکی از مؤلفه‌های همسرگزینی آزاد می‌باشد [۹، ص ۹۶]. نظام‌های خانواده گسترده معمولاً با ازدواج‌های تنظیم شده<sup>۱</sup>، ربط داشتند. در این نوع از خانواده‌ها، تعهدات نسبت به گروه خانوادگی در برقراری پیوند ازدواج اهمیت زیادی دارد [۵۳، ص ۴۳۲].

**۲-۱-۴- مشکلات در تأمین عاطفه:** نهاد خانواده قدرتی دارد که در آن با احساس تعلق نزدیک به دیگران و اعضای خانواده، مانع از سرگستگی‌ها و سرخوردگی‌های عمیق روحی و روانی در افراد می‌شود. اساساً این که گفته می‌شود روابط جنسی باید در چارچوب خانواده انجام شود، به این دلیل است که آن را با نوعی عاطفه همراه می‌سازد و افراد، هم از نظر جسمی و هم روحی به خانواده متصل می‌شوند. همچنین در خانواده، نوعی حس بشردوستانه از همبستگی و وابستگی اقتصادی شکل می‌گیرد تا جایی که خانواده، توانایی غلبه بر حس میرایی در زندگی را به‌دست می‌آورد [۵۲، صص ۸۱-۹۳]. کونینگ بر این باور است که صمیمیت، مشخصه اساسی و غیرقابل تفکیک خانواده است و همین صفت، آن را از سایر گروه‌های اجتماعی متمایز می‌سازد [۹، ص ۷۲]. اما یکی از خسارت‌هایی که غرب‌گرایی و مدرن‌شدن برای خانواده به‌بار آورده است، تضعیف تأمینات روانی، عاطفی و ایمنی افراد می‌باشد [۶۵، صص ۲۰ و ۲۱] و این، از اقتضائات جامعه مدرن است که خانواده را از شکل یک لنگرگاه و محل آرامش، به ایستگاهی شلوغ تبدیل می‌کند. ساروخانی معتقد است اگر خانواده در انجام کارکرد عاطفی خود دچار مشکل شود و یا به‌تدریج آن را از دست بدهد، این نهاد، به «خانواده اضطراری» تبدیل می‌شود یعنی خانواده‌ای که اعضای آن نه بر اساس محبت و عاطفه میان خود، بلکه از لحاظ فیزیکی مجبور خواهند بود که در کنار یک‌دیگر زندگی کنند [۶۸، ص ۷].

## ۲-۴- مناسبات نقش‌ها

**۱-۲-۴- توجه به حقوق زنان:** در این بخش، پیرامون دوسویگی رابطه تغییرات خانواده و

حقوق زنان چند نکته بیان می‌شود:

۱) برخی معتقدند «قوانین خانواده، ازدواج و طلاق و همچنین قوانین مدنی در بسیاری از کشورها با دادن حقوقی بیش‌تر به زنان و کودکان و ایجاد محدودیت برای حقوق مردان، از قدرت مردها کاسته است» [۹، ص ۱۳۰]. در چنین نظریاتی، اعتقاد بر این است که مردان، غالباً از حقوق بیش‌تری نسبت به زنان برخوردار بوده‌اند پس باید با تحدید حقوق مردان، بخشی از آن را به زنان واگذار کرد تا از این طریق تساوی رعایت شود. اما در این رویکرد معادله‌وار، به متغیرهای دیگر توجه نشده است. نمی‌توان بحث حقوق را بدون توجه به تکالیفی که بر عهده افراد گذاشته شده است، دنبال کرد. عدم توجه به پیوند گسست‌ناپذیر تکالیف و حقوق به‌همراه متغیرهای دخیل در آن، می‌تواند ساده‌انگارانه باشد و چه بسا نتیجه این نگاه معادله‌وار به برابری حقوق زن و مرد، به نفع زنان تمام نشود و بر آن‌ها نقش‌ها و مسئولیت‌های بی‌شماری را تحمیل نماید. از آن‌جا که تنوع نقش‌ها می‌تواند دربرگیرنده تعارض و تضاد باشد، این امر به نوبه خود موجب فشار مضاعف بر زنان نیز خواهد شد.

۲) کوچک شدن ابعاد خانواده، آزادی عمل را برای زنان افزایش داده و تقاضای آنان را برای اشتغال و تحصیل و به‌طور کلی مشارکت اجتماعی بیش‌تر می‌کند و همین امر، زمینه‌ساز برابری جویی بیش‌تر زنان و مردان می‌شود [۴۰، ص ۱۷]. دوران مدرن، به زنان آزادی اقتصادی بیش‌تری بخشیده اما بار خانگی را از دوش آنان برنداشته است [۲۲، ص ۲۹۷]. اشتغال زنان باعث ایجاد تغییراتی نیز شده است: تأثیر بر هرم قدرت در خانواده؛ تأثیر بر کمیت و کیفیت فرزندان؛ تقویت سازمان‌های اجتماعی جدیدی هم‌چون مهدکودک‌ها؛ تأثیر در الگوهای مصرف خانگی و نظایر آن [۲۳، ص ۱۳].

۳) باید توجه داشت که در دیدگاه اسلام، اصالت در خانواده؛ هم با فرد است و هم با جمع. تفویض مالکیت به فرد در کنار حقوق و وظایف اقتصادی‌ای است که در قبال دیگر افراد بر عهده وی گذاشته شده است. به عبارت دیگر، مالکیتی مقید به قیدها و تکالیفی است که فرد بر عهده دارد [۳۱، صص ۱۵۳-۱۵۶]. مضافاً این که استقلال اقتصادی زن از مسلمات حقوق اسلامی است [۵۸، ص ۵۷]. ورود زنان به عرصه اشتغال، امری است که بنا به اقتضای شرایط اجتماعی و اقتصادی امکان‌پذیر است، البته اگر شرایط از طرف سایر نهادهای اجتماعی نیز مهیا شده باشد [نک: ۳۷، صص ۲۴ و ۲۵]. اشتغال مادران در صورت تعارض با ایفای نقش مادری تأیید نمی‌شود. همچنین انگیزه اشتغال زنان باید در راستای رفع نیازهای خانواده، تضمین آینده خود و خانواده و کمک به نیازهای جامعه باشد [۱۲، صص ۸۰ و ۸۱]. به

لحاظ جامعه‌شناسی، نقش، انتظارات، حقوق و تکالیف مرد و زن تابع و متأثر از یکدیگر است و نمی‌توان نگاهی تفریدی به حقوق و تکالیف مرد داشت.<sup>۱۱</sup>

**۲-۲-۴- توجه به حقوق کودکان:** در گذشته، افراد به‌طور معمول یا کودک محسوب می‌شدند که توجهی به آن‌ها نمی‌شد یا بزرگ‌سال به‌شمار می‌آمدند [ص ۹، ۱۳۲]. در معاهده سازمان ملل درباره حقوق کودک (UNCRC) در سال ۱۹۸۹؛ سه حقوق کلی برای کودکان مطرح می‌شود<sup>۱۲</sup>: (۱) حق تأمین بودن (۲) حق برخورداری از حمایت (۳) حق مشارکت. هم‌چنین، آن‌چه امروزه از حقوق کودکان بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است، شامل چنین مواردی می‌باشد: حقوق کودکان در خصوص جلوگیری از آزارهای جنسی و سایر خشونت‌های خانگی، مخالفت و جلوگیری از تنبیه بدنی فرزندان به‌عنوان یک روش تربیتی، حق کودک از آموزش‌های رسمی (رفتن به مدرسه) و نظایر آن. کودکان حقوق مهم دیگری هم دارند که غالباً مورد غفلت طرفداران حقوق کودک و فمینیست‌ها بوده و می‌توان آن‌را «حق کودک در برخورداری از تربیت ولی» نامید. اگر اصطلاح «کودکان مهد کودکی» را بپذیریم، نسلی در حال شکل‌گیری است که کم‌تر از هر زمان دیگر از تربیت ولی برخوردار بوده است. زندگی کودک با مربیانی که تلاش می‌کنند نگاهی مادرمآبانه به آن‌ها داشته باشند، نمی‌تواند خسران ناشی از فقدان بزرگ شدن در کنار اولیا را برای کودکان پر کند. آن‌چه که بیش‌تر مورد تأکید است، نقش‌های «ولی‌گری» است که هم پدر و هم مادر را دربرمی‌گیرد.

**۳-۲-۴- ارتباطات بین نسلی:** در گذشته، اکثر خانواده‌ها پس از یک روز کاری، شب‌ها به چله‌نشینی می‌پرداختند و با ارتباط چهره‌به‌چهره و کلامی، مشکلات و تجربیات خود را تقسیم می‌کردند. امروزه، رسانه‌های شدن و خانگی‌شدن به‌طور فزاینده‌ای توصیف‌کننده گذران بخش عمده‌ای از فراغت جوانان گردیده است [ص ۲۸، ۲۹۵]. نقش رسانه‌های امروزی بر خانواده‌ها از دو جهت حائز اهمیت است: اولاً؛ به لحاظ جامعه‌پذیری، روی آوردن فرزندان به ایدئولوژی‌های گوناگون تحت تأثیر رسانه‌های گروهی متصور است و می‌تواند در ایجاد نوعی شکاف اطلاعاتی سهم داشته باشد [ص ۶۵، ۲۰]. ثانیاً، با ورود رسانه‌هایی چون تلویزیون، اعضای خانواده به جای نگاه و صحبت با یکدیگر، صرفاً به یک نقطه خیره شده و از ارتباط کلامی آنان کاسته شده است. ساروخانی، فرآیند «انفعالی شدن» را برای کودکان و «انزوای ثانویه» را برای زن و شوهر، از مهم‌ترین تبعات منفی رسانه‌هایی هم‌چون تلویزیون

<sup>۱۱</sup>. شریعتی معتقد است که نوع تکیه‌ای که غرب بر آزادی، کمال و ارزش‌های انسانی زن می‌کند، در مسیر «اصالت فردی زن» است. این مسأله، به اصالت فرد و فردگرایی منجر می‌شود که خانواده را متزلزل می‌کند [ص ۳۳، ۲۵۰ و ۲۵۱].

<sup>۱۲</sup>. معروف به: three "P"s: participation protection provision



تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی ۷۱

و رایانه می‌داند [۶۸ ص ۵]. امروزه، از میزان روابط خویشاوندی (صله ارحام) کاسته شده است. از پیامدهای ناخواسته این روند، کاسته شدن از ارتباط میان دو نسل است. در شرایط فعلی، شاهد تفاوت نسلی در ایران هستیم [۴، ص ۷]. البته بخشی از تفاوت‌ها در بین نسل‌ها طبیعی است و به نیروی تحرک و پویایی نسلی باز می‌گردد [۵۷، ص ۳۶۵].

### ۳-۴- ساختاری

۳-۴-۱- **شکل خانواده:** افول اقتصاد خانوادگی در نتیجه شهرنشینی و رشد ارزش‌های فردگرایانه، احتمال شکل‌گیری خانواده‌های گسترده را کاهش داده است [۱۲، ص ۵۶]. اسملسر، اعتقاد دارد که واحدهای وسیع خویشاوندی در پی روند نوسازی، گسترده‌گی خود را از دست می‌دهند [۶۹، ص ۹۶]. در حال حاضر در جامعه ایران خانواده هسته‌ای - چه در شهر و چه در روستا - اکثریت دارد [۹، ص ۹۵] هم‌چنین می‌توان شاهد خانواده‌هایی با انواع گوناگون باشیم یعنی، اشکالی از خانواده که بین شکل گسترده و هسته‌ای قرار دارند: خانواده زن و شوهری، خانواده زن و شوهری با ملحقات، خانواده پدری توسعه‌یافته، خانواده زن و شوهری مهاجر [۱۶، ص ۱۳]. این اشکال در خانواده‌های روستایی نیز یافت می‌شود [۳۹، صص ۱۳۷-۱۳۵؛ ۶۶، صص ۱۳۴ و ۱۳۵]. خانواده هسته‌ای متشکل از پدر و مادر و فرزندان می‌باشد و دوام آن از نظر زمانی و استمرار، محدود به دو نسل است و نسل سوم رابطه زنده‌ای با نسل اول ندارد. البته باید اذعان کرد که امروزه خانواده هسته‌ای در ایران دارای پیوند و بستگی تامی با شبکه خویشاوندی است [نک: ۴۲]. هسته‌ای شدن خانواده در ایران، تبعاتی نیز به همراه داشته است. در این زمینه، رنه کونینگ، بر این باور است که کوچک شدن و بی‌قدرت شدن خانواده هسته‌ای، دو مانع در ارائه کارکرد تأمین و محافظت اعضای سال‌خورده است [۹، ص ۷۴].

۳-۴-۲- **تغییرات کارکردی (جامعه‌پذیری و کاریابی):** به لحاظ تاریخی، خانواده بنیادی‌ترین واحد اجتماعی بوده که در وظایف مهمی چون آموزش، جامعه‌پذیری، اشتغال، تنظیم روابط جنسی، تولید مثل و ارضای نیازهای عاطفی و روانی مشارکت تام داشته است [۲۳، ص ۸]. در گذشته، با توجه به این که خانواده، واحدی اقتصادی بود و هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده به حساب می‌آمد، کاریابی از سوی پدر برای فرزندان پسر اهمیت داشت. اما، با پیدایش جریان مدرن شدن در جامعه، افراد در درون یک جامعه، خود را با ملت شناختند و تأثیر و هویت گرفتن از خانواده، جایگاه قبلی خود را از دست داد [۱۶، ص ۱۲]. در نظام صنعتی، فرد به واسطه صلاحیت و شایستگی خویش استخدام می‌شود. در چنین شرایطی، از میزان اشتغال فرزندان در حرفه پدران کاسته شده است. نتیجه چنین روندی، تضعیف وابستگی‌های شغلی و طبقاتی در سطح جامعه است. مدارس، آموزشگاه‌های کارآموزی، گروه‌های هم‌سال

و وسایل ارتباط جمعی به صورت رقیب برای جامعه‌پذیری جوانان در محیط خانواده در آمده‌اند [۳۴، ص ۱۴۰ و ۱۴۱]. به میزانی که سازمان‌های اجتماعی بیش‌تری در جامعه به‌وجود می‌آید، بار دوش خانواده کم می‌شود [۶۳، ص ۴۳].

**۳-۳-۴- تضعیف پدرسالاری سنتی:** نفوذ اندیشه‌های مدرن، تحول اقتصاد کشاورزی به صنعتی و محدودیت‌های زندگی شهرنشینی، امکان زندگی خانواده پدرسالار سنتی را نمی‌دهد [۴۵، ص ۱۷]. نوعی فشار بیرونی در جامعه جدید وجود دارد که نظام پدرسالار را «تحدید» کرده است. خانواده امروزی را دیگر نه می‌توان پدرتبار دانست و نه مادرتبار، زیرا اولاً؛ ساختار قدرت تغییر کرده است و ثانیاً؛ خویشتن‌اندان پدر و مادر به‌طور یک‌سان برای فرزندان اهمیت می‌یابند و ارتباط با آن‌ها به یک نحو صورت می‌پذیرد. خانواده‌ها به سمت خانواده برابری یافته در حال حرکت‌اند، یعنی شاهد هم‌کاری و هم‌دلی زن و شوهر و فزونی منزلت فرزندان هستیم [۶۳، صص ۶۲ و ۶۱]. در خانواده امروزی، قدرت در پدر مرکزیت ندارد بلکه انتشار یافته است. زنان از طریق منابع غیر مادی هم‌چون هوش، جذابیت و تحصیلات، در خانواده اعمال قدرت می‌کنند و فرزندان، از طریق منابعی هم‌چون عواطف، خواسته‌های خود را پیش می‌برند. این تنوع قدرت، مدل سنتی را که فکر می‌کرد منابع قدرت صرفاً مادی‌اند و مرد به واسطه دست‌رسی به شغل، پول و اموال، اعمال قدرت می‌کند، به چالش می‌کشد.

با ضعف کارکرد اقتصادی خانواده در روستا نیز، قدرت و برتری مرد رو به کاهش است [۶۶، ص ۱۴۷] و شاهد سستی، تضعیف و کاهش اقتدار مطلق پدر خانواده هستیم [۳۹، ص ۱۳۳]. هم‌چنین با شروع تحصیل فرزندان، خاصه فرزندان پسر و خارج شدن آن‌ها از واحد تولیدی روستا، سلسله مراتب در خانواده از حالت مبتنی بر جنس و سن خارج شده است [همان، ص ۱۸۸].

در بحث از تغییرات خانواده، «جنسیت» یک مفهوم کلیدی است چرا که روابط قدرت در خانواده، حالتی جنسیتی دارد و تحول نقش زنان به شدت بر تحولات روابط درون خانواده مؤثر بوده است [۶۰، ص ۲۸۱]. تعریف هویت زنانگی و مردانگی در جامعه ایران دست‌خوش پاره‌ای تغییرات شده است. ساروخانی معتقد است که انقلاب آموزشی زنان در ایران، مثبت بوده و به خانواده مبتنی بر برابری کمک کرده است زیرا امروزه زن و مرد هر دو، دارای تحصیلات بالا و نگرش‌های موازی‌تری هستند [۶۸، صص ۷۶ و ۷۷].

**۴-۳-۴- کاهش بُعد خانواده:** یکی از تأثیرات مدرن‌شدن در ایران، رشد تدریجی شهرنشینی بود. اساساً با ورود مردم به شهر، تمایل به باروری نیز در آن‌ها کاهش یافت [۵۶، ص ۱۰۱]. از نظر پارسونز، آن‌چه که امروزه به‌عنوان تک علت در کم شدن بُعد خانواده اثر دارد، صنعتی شدن است [۶۳،

تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی ۷۳

ص ۴۵]. هم‌چنین، بُعد خانواده روستایی از سال ۱۳۷۰ به بعد به دلایل مختلف رو به کاهش گذاشته است [ص ۳۹، ۱۳۳]. عده‌ای، تمایل به محدود ساختن تعداد فرزندان را ناشی از بینش اقتصادی و خوش‌گذرانی و زندگی مرفه غربی می‌دانند [ص ۶۵، ۱۹] زیرا با توجه به رویکرد اقتصادی ناشی از لیبرالیسم و امتزاج آن با منفعت‌طلبی فردی، فرزندآوری چیزی جز هزینه‌آوری نخواهد بود [ص ۲۳، ۱۱]. البته اقتضائات اجتماعی و اقتصادی امروزی و سیاست‌های رسمی در کنترل باروری را باید به‌عنوان سایر عوامل مؤثر در نظر داشت. برخی از پیامدهای کاهش بُعد خانواده ایرانی عبارت‌اند از: ۱) افزایش میانگین سنی افراد جامعه و سوق یافتن توزیع سنی جمعیت به سوی توزیع طبیعی در میان مدت و ثقل جمعیت میان سال و سال‌مند در درازمدت؛ ۲) تقاضای زنان برای اشتغال و تحصیل و به‌طور کلی مشارکت اجتماعی بیشتر؛ ۳) گرایش به سوی کوچک‌تر کردن ابعاد خانواده یا ازدواج دیررس که می‌تواند به ناباروری‌های ناشی از افزایش سن نیز بینجامد [ص ۴۰، ۱۷]. هر چه تحصیلات بالاتر برود، احتمال ازدواج کاهش می‌یابد و یا به کنترل موالید منجر می‌شود [ص ۵۶، ۹۸].

**۵-۳-۴- ازدواج:** در گذشته، وقتی جوانی به سن ازدواج می‌رسید و خواهان تشکیل خانواده می‌شد. خواستگاری در مرحله اول توسط آشنایان نزدیک پسر انجام می‌شد و پس از جلب رضایت اولیه پدر دختر، مراحل بعدی درباره شرایط ازدواج و مهریه آغاز می‌شد. تا اواسط دوره پهلوی اول، در مراحل مختلف ازدواج، زن و شوهر آینده، شخصاً نمی‌توانستند دخالتی داشته باشند و حتی نمی‌توانستند یک‌دیگر را ملاقات کنند [ص ۶۴، ۱۵۷ و ۱۵۸].

امروزه، نقش عشق و روابط احساسی و عاطفی را در شکل‌گیری ازدواج نمی‌توان نادیده گرفت [ص ۲۲، ۲۸۵]. انتخاب همسر با مشورت و تحت نظارت خانواده‌ها انجام می‌شود و خانواده‌ها هم‌سانی سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده دختر و پسر جوان را در نظر می‌گیرند و سپس با توجه به میل و علاقه باطنی دختر و پسر، ازدواج صورت می‌گیرد. البته این امر که دختر و پسر شخصاً یک‌دیگر را انتخاب کرده و سپس رضایت خانواده‌های خود را جلب کنند نیز افزایش یافته است [ص ۹، ۱۰۲]. این روند به معنی مشارکت والدین و جوانان در دو فرآیند همسریابی و همسرگزینی است. امروزه احتمال ازدواج‌های از قبل تنظیم‌شده به دلیل غلبه نظام خانوادگی هسته‌ای کم‌تر است [ص ۵۶، ۱۱۶]. در سال ۱۳۵۳ در ایران، گرایش مسلط برای انتخاب همسر از بین قوم و خویش بوده، در حالی که این روند از سال ۱۳۵۸ دقیقاً به‌صورت عکس پیش می‌رود [ص ۵۷، ۲۰۴]. امروزه -حتی در روستاها- به دلیل گسترش وسایل ارتباطی، افزایش میزان تحرکات مکانی، اجتماعی و شغلی، شاهد افزایش ازدواج‌های برون‌گروهی هستیم [ص ۶۶، ۱۷۷]. اکثر آداب و رسوم ازدواج در اجرای مراسم

خواستگاری، نامزدی، عقد و عروسی، داشتن مهریه و سایر مراسم ازدواج و تولد فرزند اول تداوم یافته و حتی در مواردی مفصل‌تر نیز شده است [۳، ص ۲۶۶].

در مجموع، امروزه در جامعه ایران با چهار نوع ازدواج روبه‌رو هستیم: ازدواج‌های اجباری و ترغیبی که از نوع ازدواج‌های سنتی به حساب می‌آید و ازدواج‌های خودخواسته و خودسرانه که از نوع ازدواج‌های مدرن محسوب می‌شود [۱۰]. تفاوت هر یک از این انواع به دو عامل اصلی بستگی دارد: ۱) میزان عاملیت کنشگران اجتماعی (۲) میزان تمایل و رضایت عاطفی.

### ۶-۳-۴- افزایش مسائل و آسیب‌های ساختاری (بررسی موردی طلاق): در این

بخش، چند توضیح درباره مسأله طلاق بیان می‌شود:

- نگاه به طلاق در تاریخ ایران: توده مردم نسبت به طلاق بسیار سخت‌گیرانه عمل می‌کردند و قبح اجتماعی طلاق بسیار زیاد بود و اقدام به متارکه و طلاق در طبقه متوسط شهرنشین بیش‌تر از طبقات پایین دیده می‌شد [۶۴، صص ۳۶۱-۳۶۵]. از همین رو، اختلافات و مشکلات بین زن و مرد با مراجعه به بزرگ‌ترهای خانواده از جمله پدر و مادر یا از طریق مراجعه به ریش‌سفیدان و یا روحانی محل رتق و فتق می‌شد. یکی از دلایل قبح طلاق در عرف جامعه، تبعات و هزینه‌های روانی و اجتماعی ناشی از آن بود. مرد یا زنی که طلاق می‌گرفت، در ذهن دیگران به گونه‌ای متفاوت قضاوت می‌شد.

- نگاه به طلاق در دیدگاه اسلام: طلاق از دیدگاه اسلام «ناپسندترین حلال» محسوب می‌شود.<sup>۱۳</sup> مجموعه‌ای از تفاوت‌های جنسی طبیعی بین زن و مرد و نیز تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌های اجتماعی، موجب گردیده است تا اسلام حق طلاق را برای شوهر قایل شود. به نظر می‌رسد بی‌توجهی نسبت به این امر، می‌تواند موجب افزایش پدیده طلاق هم‌چون بسیاری از کشورهای غربی شود. البته جرح و تعدیل‌هایی نیز در این قاعده وجود دارد: ثبوت حق طلاق برای زن در فرض ناتوانی یا خودداری شوهر از پرداخت نفقه، اعتبار قاعده عسر و حرج در زندگی زناشویی و قاعده اشتراط در ضمن عقد [۱۱، ص ۱۰۵].

- نگاه به طلاق در شرایط کنونی: اگر چه سازگاری زن و شوهر در خانواده شهری کم‌تر و در خانواده روستایی بیش‌تر است اما در سال‌های اخیر، طلاق در شهرها افزایش یافته و در روستاها نسبت به گذشته بیش‌تر شده است. عوامل مؤثر در رشد پدیده طلاق عبارت‌اند از: تغییر نگرش نسبت به

<sup>۱۳</sup> پیامبر اسلام(ص): «ما من شيء مما أحله الله أبغض إليه من الطلاق» [الكافی، ج ۶، ص ۵۴، ح ۲].

تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی ۷۵

ازدواج و طلاق، رواج ازدواج‌های دوستانه مبتنی بر عواطف و التذاذهای زودگذر، تغییر ساختار خانواده، تغییر نقش‌های جنسیتی، افزایش انتظارات، استقلال اقتصادی زنان (هم علت و هم معلول)، رفاه اقتصادی، افزایش روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده، تغییر قوانین طلاق، کاهش اعتقادات، کاهش فرزندآوری، عدم پرداخت نفقه، اعتیاد یا مجهول‌المان بودن یا سوء معاشرت مرد، خشونت‌های خانگی، بیماری و اختلالات روانی، عدم انجام وظایف زناشویی و غیره [۱۲، صص ۲۳۹-۲۴۳؛ ۱۴، ص ۸؛ ۲۳، ص ۱۹؛ ۲۴، ص ۲۲]. نرخ طلاق در ایران طی سال‌های قبل از ۱۳۷۵ همواره فراز و نشیب‌هایی داشته و مسیر ثابتی را طی نکرده اما از سال ۱۳۷۵ نرخ طلاق به طور یکنواخت در حال افزایش بوده است. در جدول زیر درصد طلاق به ازدواج در سه دهه اخیر مشاهده می‌شود: [نک: ۶۱؛ ۷۱؛ ۷۲].

جدول (۱): «درصد طلاق به ازدواج» در چهار دهه اخیر در ایران

سال	ازدواج	طلاق	درصد طلاق به ازدواج
۱۳۵۵	۱۶۴۹۵۰	۱۸۰۹۱	۱۰/۹۷
۱۳۶۵	۳۴۰۳۴۲	۳۵۲۱۱	۱۰/۳۴
۱۳۷۰	۴۵۲۶۷۵	۳۹۸۹۹	۸/۸۱
۱۳۷۵	۴۷۹۲۶۳	۳۷۸۱۷	۷/۸۹
۱۳۸۰	۶۴۱۹۴۰	۶۰۵۰۰	۹/۴۲
۱۳۸۱	۶۵۰۹۶۰	۶۷۲۵۶	۱۰/۳۳
۱۳۸۲	۶۸۱۰۳۴	۷۲۳۵۹	۱۰/۶۲
۱۳۸۳	۷۲۳۹۷۶	۷۳۸۸۲	۱۰/۲۱
۱۳۸۴	۷۸۷۸۱۸	۸۴۲۴۱	۱۰/۶۹
۱۳۸۵	۷۸۸۰۲۳	۹۴۰۴۰	۱۱/۹۳
۱۳۸۶	۸۴۱۱۱۰	۹۹۸۵۲	۱۱/۸۷
۱۳۸۷	۸۸۱۵۹۲	۱۱۰۵۱۰	۱۲/۵۴
۱۳۸۸	۸۹۰۲۰۸	۱۲۵۷۴۷	۱۴/۱۳
۱۳۸۹	۸۹۱۶۳۷	۱۳۷۲۰۰	۱۵/۳۹
۱۳۹۰	۸۷۴۷۹۲	۱۴۲۸۴۱	۱۶/۳۳

- به سمت تبیین واقع‌بینانه و جامعه‌شناختی: از نظر جمعیت‌شناسان، اگر چه آمار طلاق در ایران رو به افزایش بوده است اما هنوز نسبت به سایر کشورها آمار پایین‌تری دارد [نک: ۶۱]. هم‌چنین باید در نظر داشت که به موازات افزایش آمار طلاق، آمار ازدواج نیز افزایش داشته است. ممکن است گفته شود از سال ۵۵ تا ۹۰، میزان طلاق افزایش چشم‌گیری داشته است اما باید پویایی جمعیت را در تحلیل‌های خود لحاظ کنیم. به عبارت دیگر، همان‌گونه که درصد طلاق به ازدواج افزایش داشته به همان میزان جمعیت کل افرادی که به سن ازدواج رسیده‌اند نیز افزایش داشته است. خصوصاً این که جمعیت جوان ایران هم باید مورد ملاحظه قرار گیرد. بنابراین، باید به متغیرهایی از جمله افزایش

جمعیت و جمعیت جوان (ساختار هرم سنی) توجه کرد. آمار رسمی طلاق هیچ‌گاه به منزله واقعیت مسأله طلاق در جامعه نیست زیرا صرفاً طلاق‌هایی را که ثبت می‌شوند، دربر می‌گیرد و به فاصله‌های عاطفی و جدایی‌های طولانی که عملاً به طلاق منتج می‌شود، توجهی نمی‌شود. مضافاً این که طلاق را باید در زمینه اجتماعی و ساختار آن بررسی کرد [۳۶، ص ۷۲]. در مجموع، نفوذ ارزش‌های دینی مبتنی بر احکام و شرایع اسلامی در اذهان عمومی مردم ایران، اصلی‌ترین عامل بازدارنده برای تبدیل شدن طلاق به چالشی جدی شده است. البته این به معنای طبیعی بودن وضعیت طلاق در ایران نیست.

## ۵- تفسیر عوامل مؤثر در تغییرات خانواده ایرانی

### ۵-۱- عوامل خُرد

رشد فردگرایی، خودمحوری، خودخواهی و طرز تفکر سودگرانه ناشی از عقلانیت ابزاری در خانواده، موجب می‌شود که سرمایه انسانی کاهش یابد و خانواده از عهده تقبل و انجام بسیاری از رسالت‌های طبیعی باز بماند [۳۳، ص ۱۶؛ ۶۵، ص ۲۲]. با غلبه فردگرایی، ارزش‌های جمعی و خانوادگی دنبال نمی‌شود بلکه دنبال کردن ارزش‌های خصوصی جایگزین می‌شود [۵۲، ص ۳۲ و ۳۰]. ساروخانی معتقد است که باید مراقب بود تا خانواده در ایران به «مهمان‌سرا» تبدیل نشود که هر کدام از اعضای خانواده به هر گونه‌ای که می‌خواهند رفتار کرده و آمدوشد کنند [۶۸، ص ۷]. هم‌چنین، گیدنز منشأ تغییرات امروزی در خانواده را تغییر در ماهیت عشق و رابطه آن با تمایلات جنسی می‌داند [۵۳، ص ۴۳۱]، یعنی اصالت لذتی که در پی فردگرایی و خودخواهی بروز کرده است. ویلیام گود نیز معتقد است که این پدیده، یک قابلیت عاطفی است که در همه جوامع وجود دارد ولی تفاوت‌ها در جوامع مختلف صرفاً بر سر نحوه جای دادن آن در ساختار اجتماعی بروز یافته است [۳۰، ص ۱۷۱]. البته در ایران فردگرایی غالب نشده و در زندگی افراد، همچنان روابط خانوادگی از اهمیت و جایگاه اجتماعی مهمی برخوردار است.

### ۵-۲- عوامل کلان<sup>۱۴</sup>

عوامل کلان عبارت‌اند از: صنعتی‌شدن، تحولات تکنولوژیکی، گرایش به شهرنشینی، توجه به ارزش‌های نظام سرمایه‌داری در زمان رضاشاه، سکولاریسم بارز در دوران پهلوی، جنبش‌های مدنی که

<sup>۱۴</sup>. نتایج رویدادهای خاص اجتماعی و تأثیرات جریانات فکری سه مقطع دوران قاجار، دوران پهلوی و ایران پس از انقلاب اسلامی اهمیت بیش‌تری دارد. از جمله رخدادهای اجتماعی و جریانات فکری این مقاطع سه‌گانه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نضج اندیشه غرب‌گرایی در بین متفکران اجتماعی و منور الفکرها؛ تحولات جوامع پیرامون ایران همانند ترکیه و جوامع اروپایی که یکی پس از دیگری پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی را که از نتایج انقلاب‌های صنعتی‌شان بود، تجربه می‌کردند؛ بازگشت تحصیل‌کردگان ایرانی از غرب؛ افرادی که اندیشه اصلاح در سر داشتند؛ اندیشه‌های غرب‌زدگی در زمان رضاشاه؛ انقلاب سفید (به ویژه اصلاحات ارضی)؛ نقش سپاه دانش و غیره.

تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی ۷۷

ریشه در آرای منور الفکرهای دوران قاجار به بعد دارد، تغییرات حقوقی و قانونی قبل و بعد از انقلاب اسلامی، تغییر نقش‌های جنسیتی، کنترل باروری در دهه ۱۳۲۰ از سوی سازمان‌های دولتی، اشتغال زنان و نظایر آن. در روند نوسازی در اواخر دوره قاجار و به خصوص سرتاسر دوره پهلوی تغییراتی از بالا اعمال شد تا تغییرات مقتضی برای توسعه جامعه فراهم شود اما در این برنامه‌ها، توجهی به فرهنگ خانواده ایرانی و ارزش‌های دینی مرتبط با آن نشد. لذا الگوی مدرنیزاسیون تغییراتی را در سطح کلان در مقطعی از تاریخ ایران ایجاد کرد اما این نوسازی کم‌تر به سطوح میانی و فردی کم‌تر راه یافت و تربیت فرد مدرن در کنار تغییر و توسعه ارتباطات، نظام آموزشی، نظام بوروکراسی دولتی و ارتش، شهرنشینی و صنعتی شدن انجام نپذیرفت.

## ۶- آسیب‌شناسی اجتماعی خانواده ایرانی

### ۱-۶- سه برداشت از تغییرات و بازتاب سه‌گانه وضعیت خانواده در تحقیقات

در مواجهه خانواده با جریان مدرن شدن، می‌توان به سه تفسیر اشاره کرد: (۱) برداشت اول معتقد است که تغییرات، نامطلوب بوده و باعث فروپاشی خانواده‌ها و از دست دادن حمایت و پشتیبانی اعضای خانواده نسبت به یک‌دیگر و احساس ناامنی در افراد شده است. (۲) برداشت دوم معتقد است که این تغییرات الزامی و مطلوب است و افراد در شرایط جدید از آزادی لازم برخوردارند تا آن‌گونه که مایلند زندگی کنند و سبک زندگی خود را بدون هیچ تحمیلی از بیرون، مطابق امیال و علائق خود تنظیم کنند. (۳) برداشت سوم معتقد است ما شاهد ثبات در کنار تغییر هستیم. نگرانی از این که خانواده دچار فروپاشی می‌شود و همه روابط در حال دگرگونی است و جامعه در آینده با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود، نگرانی درست و جدیدی نیست این نگرانی از گذشته تا حال و در تمامی دوره‌ها وجود داشته و نسل‌های گذشته نیز تغییرات را با دیدی منفی نگریسته‌اند [۶۰، صص ۲۷۶ و ۲۷۷].

با بررسی منابع و تحقیقات انجام گرفته پس از انقلاب اسلامی ایران، می‌توان در مجموع به سه دیدگاه شبیه به برداشت‌های مذکور دست یافت:

### ۱-۱-۶- بحران در تمامیت نهاد خانواده: برخی وضعیت خانواده ایرانی را وضعیتی بحرانی

دانسته‌اند، به‌گونه‌ای که خانواده از مرحله بهنجار و طبیعی خارج شده، دچار تنش و ضعف گشته و نهایتاً به بحران رسیده است. به‌زعم آنان، این بحران در خانواده ایرانی آن‌قدر جدی و حیاتی است که تعجیل و اقدام جمعی برای حل آن ضروری است و همه باید دست در دست هم داده و با مشکل برخورد کنند. این دسته از افراد نهاد خانواده را در کل مورد آسیب‌شناسی قرار داده‌اند و در نهایت بر این باورند که کلیت خانواده در شرایط نامساعدی به‌سر می‌برد [نک: ۶۲؛ ۶۵].

**۲-۱-۶- مسائل جدی در جنبه‌هایی از نهاد خانواده:** این دسته از افراد معتقدند که نمی‌توان درباره برخی از روندهای کنونی خانواده در ایران خوش‌بین بود. مثلاً مسأله ازدواج و طلاق که تبیین‌های گوناگونی برای آن ذکر شده است، نیازمند اقدام عاجل می‌باشد. این افراد، کلیت خانواده ایرانی را در معرض نابسامانی‌های اجتماعی نمی‌دانند بلکه این بعضی از ابعاد خانواده است که دچار مسأله شده است. برای رفع مشکلات خانواده باید با دیدی آسیب‌شناسانه، تصمیماتی را در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت اتخاذ کرد که البته با موانعی همراه خواهد بود. مثلاً برخی مانع تحقق نظام مطلوب خانواده در جامعه را حرکت‌هایی از سوی طرفداران حقوق زنان به علت نفی تمایزهای جنسیتی در زمینه حقوق، نقش‌ها و مسئولیت‌ها می‌دانند [۱؛ ۱۲؛ ۱۸؛ ۳۵؛ ۴۱].

**۳-۱-۶- وضعیت طبیعی در نهاد خانواده:** دسته سوم بر این باورند که به‌نظر نمی‌رسد فرآیند صنعتی‌شدن جامعه‌ای همانند ایران، دست کم در آینده نزدیک بتواند تداوم خانواده را با مشکل روبه‌رو سازد زیرا نفوذ و رسوخ ارزش‌های دینی در اذهان اکثریت افراد جامعه، زمینه‌گسترش ارزش‌های متضاد با تداوم حیات خانواده را از بین می‌برد، ولی در دراز مدت، عامل نفوذ فرهنگی و چگونگی مقابله با آن می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در این رابطه ایفا کند. در مجموع، این رویکرد معتقد است که اگرچه خانواده دستخوش تحولاتی به‌لحاظ تغییر نقش‌های جنسیتی، نرخ طلاق و ازدواج و غیره شده است اما این نشانه‌ها دال بر بحران نیست بلکه معرف تغییراتی در خانواده است که از تغییرات حادث شده در جامعه جدا نمی‌باشد [۳۸].

## ۷- بحث و نتیجه‌گیری

با وجود تأثیراتی که خانواده ایرانی از جریان مدرن‌شدن گرفته است، هنوز از نفوذ اجتماعی بالایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که خانواده در کنار دو نهاد اجتماعی دیگر یعنی؛ دین و دولت، کانون اصلی ساماندهی اجتماعی است [۱، ص ۱۷۷]. تعلقات خانوادگی، قومی و محلی که هم‌چنان فرد را به گروه‌های اجتماعی پیوند داده و مانع انزوای شدید اجتماعی و برخی از بیماری‌های روانی شده، [۵۹، ص ۲۰۵] به مثابه یک محافظ در برابر برخی از مسائل اجتماعی عمل می‌کند. پس سرمایه‌گذاری در شناخت خانواده در ایران و آسیب‌های وارده بر آن، ارزشی مضاعف دارد. از همین رو، امروزه با توجه به ارتباط‌های عاطفی در خانواده و منزلت آن، از «خانواده درمانی»<sup>۱۵</sup> به عنوان روشی برای حل برخی از مسائل سخن به میان می‌آید. با نگاهی به مسائل و آسیب‌های موجود مرتبط با نهاد خانواده مثل افزایش سن ازدواج، افزایش آمارهای طلاق، وجود اختلافات درباره استقلال زنان و اشتغال آن‌ها، خشونت‌های متنوع خانگی،

15. Family therapy



افزایش روابط جنسی خارج از چهارچوب خانواده، مسائل ناشی از تقسیم کار و غیره، به نظر می‌رسد که از مهم‌ترین راهکارها جهت برون‌رفت و سامان‌دهی به پاره‌ای از مسائل یادشده، توجه به الگویی از خانواده است که متناسب با شرایط کنونی جامعه ایران باشد. همان‌طور که گیدنز گفته است، علت اصلی بی‌هنجاری و شرایط آنومیک در جامعه امروز، از میان رفتن و تضعیف نظارت‌ها و ضوابط اخلاقی ناشی از عقاید مذهبی است که در نتیجه پیشرفت اجتماعی امروزی اتفاق افتاده است [۵۳]. در ارائه الگویی از خانواده متناسب با جامعه ایرانی باید به این واقعیت توجه کرد که دین در طول تاریخ ایران نقش فراگیر و مهمی در نظام اجتماعی داشته است.<sup>۱۶</sup> حتی در ایران باستان باورهای دینی آیین زردشت، هنجارها و مقررات مربوط به ازدواج و زناشویی را نیز در بر می‌گرفت [۲۷، صص ۴۳۱-۴۳۵]. هم‌چنین ضرورت دارد که این الگو برخوردار از ارکان تشکیل‌دهنده هویت جامعه ایرانی یعنی دو مؤلفه دین و فرهنگ ملی باشد تا همه ایرانیان نسبت به آن احساس تعلق کنند.

بررسی تغییرات و تحولات خانواده مستلزم شناسایی عواملی است که در سه سطح خرد، متوسط و کلان موجبات تغییر در خانواده را فراهم می‌سازند. در سطح کلان می‌توان به عواملی هم‌چون تغییرات جمعیتی، آموزشی، وضعیت اقتصادی، تکنولوژیکی و قوانین؛ در سطح متوسط به پدیده‌هایی هم‌چون روابط بین نهادها و ورود زن و شوهر - هر دو - به بازار کار و در سطح خرد به عواملی هم‌چون سن، انتظارات و دگرگونی در تصور از خود اشاره کرد. اگر چه جریان مدرنیته بر خانواده و تغییرات و تحولات آن مؤثر بوده است اما توجه به این نکته ضروری است که نباید به خانواده به عنوان یک واحد منفعل که صرفاً پذیرای تغییرات است، نگاه کرد بلکه خانواده می‌تواند به عنوان «عامل فعال» با این تغییرات برخورد کند و نظم اجتماعی جدیدی را شکل دهد. هم‌چنین، تغییرات جامعه بر خانواده در خرده فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف ممکن است به صورت‌های متفاوتی از اثرپذیری منجر گردد. یکی از تأثیرات مدرنیته که بسیار چشمگیر بوده، کاهش تدریجی باروری است که فهم این مسأله با عوامل دیگری هم‌چون افزایش تحصیلات زنان و تغییر در نقش‌های جنسیتی قابل فهم است. هم‌چنین این موضوع بر روی سال‌خوردگی جمعیت نیز اثر خواهد داشت، به‌گونه‌ای که ادامه این روند در

<sup>۱۶</sup> امروزه بسیاری از شاعران و مناسک دینی و قومی و ملی در کنار یک‌دیگر باقی مانده‌اند و در این زمینه در جامعه ایران، فشار هنجاری شدیدی بر افرادی که بخواهند از آن‌ها سرپیچی کنند، وجود دارد [۲۹، صص ۲۱۲]. باید توجه داشت که دین اسلام، آموزه‌ها و اصول کلی و جهان‌شمولی را درباره خانواده مطرح ساخته است که مختص به یک فرهنگ خاص نیست. بنابراین، در تهیه الگوی خانواده، می‌توان از این مبانی بهره جست. تاریخ تشیع در ایران نیز نشان داده است که فرهنگ و هویت ایرانی، بستر مناسبی برای اجرای اصول و قواعد اسلام بوده است. هم‌چنین در خور توجه است که فقه تشیع به‌مثابه مکانیزمی پویاست که قابلیت اتخاذ جهت‌گیری مناسب احکام دینی با تغییرات بیرونی جامعه را دارد.

آینده می‌تواند خانواده ایرانی را با چالش‌هایی مواجه سازد. البته با دخالت‌های مؤثر و کارشناسانه اخیر از سوی مسئولان نهادهای دولتی و مجلس درباره ضرورت تجدید نظر در سیاست‌های باروری و کنترل جمعیت، می‌توان انتظار داشت که از برخی مشکلات در این زمینه جلوگیری خواهد شد. در مورد کار زنان نباید از این نکته مهم غافل شد که امروزه شرایط اقتصادی و اجبارهای اجتماعی موجب شده است تا در برخی موارد، حق انتخاب از زنان برای ماندن درون خانه سلب گردد و زن برای حمایت مالی از خانواده و همسرش ورود به بازار کار را بر حضور تمام وقت در منزل ترجیح دهد. از طرفی ورود زنان به بازار کار بر روی بُعد خانواده اثر می‌گذارد و زن‌ها مایل یا ناچارند که دیرتر بچه‌دار شوند و بچه‌های کم‌تری داشته باشند. البته باید اذعان کرد که ورود زنان به عرصه‌های گوناگون جامعه، علاوه بر این که نشان دهنده نیاز جامعه به توانمندی‌های آن‌ها بوده، حاکی از شکل‌گیری نگرشی جدید به «هویت زن» در جامعه دینی ایران نیز می‌باشد. بنابراین، ذکر این نکته ضروری است که ترکیب خانواده و پویایی آن، با برخی اجبارهای اجتماعی گره خورده است. برای مثال، صنعتی شدن و شهری شدن، هم‌چون موتور عظیمی است که بر روی تغییرات و تحولات خانواده به شدت مؤثر بوده است. در چنین شرایطی، مردم ناگزیرند که نحوه زندگی خود را تغییر دهند تا با اشکال جدید زندگی کنار بیایند. مضافاً این که، افزایش روند هسته‌ای شدن خانواده، مخلوق شهری شدن و صنعتی شدن است. البته در ایران نباید از «قدرت فرهنگ دینی» غفلت ورزید زیرا در مواجهه با مدرنیته، سعی بر گزینش آن عناصری دارد که کم‌ترین چالش را با مبانی فرهنگی داشته باشد.

در مجموع، به نظر می‌رسد با وجود تأثیراتی که خانواده ایرانی در دوره معاصر از جریان مدرنیته داشته است، پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه در سال‌های اخیر با اتخاذ سیاست‌های حمایتی و ساز و کارهای قانونی برای خانواده، شاهد ارتقای منزلت خانواده و فرهنگ خانواده‌گرایی بوده ایم؛ به‌گونه‌ای که امروزه، خانواده در کنار دو نهاد اجتماعی دیگر یعنی دین و دولت، کانون اصلی ساماندهی اجتماعی به حساب می‌آید. اساساً ضرورت نگاه آسیب‌شناختی به تغییرات خانواده ایرانی، در جهت شکل‌گیری «گفتمان رفع آسیب» از درون گفتمان انقلاب اسلامی است؛ مضافاً این که می‌تواند بستری برای تحقق تدریجی «سبک زندگی ایرانی اسلامی» را فراهم آورد. در پایان، این مقاله پیشنهادها و راه-کارهایی در جهت تقویت جایگاه اجتماعی خانواده ارائه می‌دهد: (۱) تدوین الگوی جامع خانواده مبتنی بر مؤلفه‌های هویت ملی و دینی برای جلوگیری از رواج الگوهای زودگذر خانواده؛ (۲) بازتعریف هویت زنانگی و مردانگی بر پایه دیدگاه اسلام و معرفی آن به جامعه از طریق رسانه‌ها (به‌ویژه رسانه ملی) با هدف تعمیق و گسترش فرهنگ خانواده؛ (۳) تقویت مناسبات بین نسلی با تکیه بر اشتراکات مذهبی و

تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی ۸۱

ملی؛ ۴) بازنمایی تأثیر زنان ایرانی در پویایی جامعه و در تقویت خانواده در سال‌های پس از انقلاب اسلامی از طریق رسانه‌ها؛ ۵) گفتمان‌سازی در زمینه سبک زندگی و خانواده ایرانی اسلامی در رویارویی با گفتمان‌های رقیب و غیر که عمدتاً برخاسته از جهان بینی و فکرت غربی‌اند؛ ۶) انجام پژوهش‌های راهبردی و پوشش خلأهای قانونی در زمینه وام‌های ازدواج و مسکن، باروری، خانواده‌های تک‌سرپرست و بدسرپرست، اشتغال زنان و نظایر آن.

## منابع

- [۱]. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹) *جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌شناسی مناسبات بین نسلی*، چاپ اول، تهران: علم.
- [۲]. آزاد ارمکی، تقی و زند، مهنار و خزاعی، طاهره (۱۳۸۲) «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، فصل‌نامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵، ۲۴-۱.
- [۳]. آزاد ارمکی، تقی و شکوری، علی (۱۳۸۱) «مدرنیته و خانواده تهرانی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره ۳۰ و ۳۱، ۲۶۸-۲۴۵.
- [۴]. آزاد ارمکی، تقی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- [۵]. آزاد ارمکی، تقی و ملکی، امیر (۱۳۸۶) «تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۰، ۱۲۱-۹۷.
- [۶]. احمدی، وکیل (۱۳۹۰) بررسی تحولات خانواده در طی فرآیند گذار جمعیتی با تأکید بر کشور ایران، پایان‌نامه دکترا، رشته جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه اصفهان.
- [۷]. ازکیا، مصطفی (۱۳۶۴) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*، چاپ چهارم، تهران: اطلاعات.
- [۸]. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷) *جامعه‌شناسی توسعه*، چاپ هفتم، تهران: کیهان.
- [۹]. اعزاز، شهلا (۱۳۷۶) *جامعه‌شناسی خانواده (با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر)*، چاپ اول، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- [۱۰]. انباری، مریم (۱۳۹۱) بازسازی زندگی پس از طلاق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۱۱]. بستان، حسین (۱۳۸۴) «تشیع و تأثیر آن بر خانواده در ایران»، *فصل‌نامه شیعه‌شناسی*، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۹۵-۱۰۶.
- [۱۲]. بستان(نجفی)، حسین و همکاران (۱۳۸۵) *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۱۳]. بشیریه، حسین (۱۳۷۳) «یکسان‌سازی، یکتا انگاری، دیالکتیک تاریخی و مسائل توسعه سیاسی در ایران»، *مجله فرهنگ توسعه*، شماره ۱۷، ۶-۲.
- [۱۴]. بک گرنسهایم، الیزابت (۱۳۸۸) *خانواده در جهان امروز*، (ترجمه افسر افشار نادری و بیتا مدنی)، چاپ اول، تهران و کرج: پایا.

- [۱۵]. بهمنی، الهه (۱۳۷۹) روبرویی خانواده با مدرنیته با تأکید بر ابعاد حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- [۱۶]. بهنام، جمشید (۱۳۸۱) مجموعه مقالات: خانواده، آموزش و فرهنگ، ترجمه م. آدینه و علی اسدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۱۷]. تنهایی، ابوالحسن و شکرپیگی، عالیہ (۱۳۸۷) «جهانی شدن، تجددگرایی و خانواده در ایران»، فصل نامه جامعه‌شناسی، شماره ۱۱، فروردین ۸۷، ۵۵-۳۳.
- [۱۸]. جلالی‌پور، حمید رضا (۱۳۸۵) «چرا خانواده مدنی در ایران رهایی بخش است؟»، مجله زنان، شماره ۱۳۰، ۳۱-۲۸.
- [۱۹]. ----- (۱۳۸۲) «چشم انداز خانواده»، فصل نامه ی بازتاب اندیشه، شماره ۴۴، ۲۱-۱۳.
- [۲۰]. جلالی‌پور، حمیدرضا و محمدی، جمال (۱۳۸۸) نظریه های متأخر جامعه شناسی، چاپ دوم، تهران: نی.
- [۲۱]. جوکار، محبوبه (۱۳۹۱) «سیر تحول خانواده ی ایرانی در گذر تاریخ»، فصل نامه ی طهورا، شماره ی ۱۲، ۲۱۷-۱۹۱.
- [۲۲]. جی‌گود، ویلیام (۱۳۵۲) خانواده و جامعه، (ترجمه ویدا ناصحی)، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۲۳]. چپل، دیوید (۱۳۸۸) خانواده‌ها در دنیای امروز، (ترجمه محمد مهدی لیبی)، تهران: افکار.
- [۲۴]. حسینی، حسن (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق، تهران: سلمان.
- [۲۵]. خانعلی‌زاده‌بنا، مریم (۱۳۸۹) بررسی جامعه‌شناختی ساختار و شیوه‌های اعمال قدرت در خانواده با تأکید بر جنسیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۲۶]. دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی (۱۳۹۱) زن و خانواده، جلد ۲، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- [۲۷]. دوران‌ت، ویل (۱۳۷۶) تاریخ تمدن، جلد ۱، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۲۸]. ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی جوانان ایران، چاپ اول، تهران: آگاه.
- [۲۹]. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷) توسعه و تضاد، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- [۳۰]. سگالن، مارتین (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، (ترجمه حمید الیاسی)، چاپ سوم، تهران: مرکز.
- [۳۱]. سلطانی، مهدی (۱۳۹۰) «الگوی ساختار خانواده مطلوب از دیدگاه اسلامی»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره ۳، ۱۷۱-۱۴۳.
- [۳۲]. شالباف، عذرا (۱۳۸۰) بررسی تأثیر تحصیلات زن بر توزیع قدرت در خانواده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۳۳]. شریعتی، علی (۱۳۷۶) مجموعه آثار، جلد ۲۱، تهران: چاپخش.
- [۳۴]. شفرز، برنهارد (۱۳۸۶) مبانی جامعه‌شناسی جوانان، (ترجمه کرامت اله راسخ)، تهران: نی.
- [۳۵]. شکرپیگی، عالیہ (۱۳۹۰) مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده: درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در ایران، چاپ اول، تهران: جامعه شناسان.
- [۳۶]. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۷) «میزگرد بررسی وضعیت طلاق و راهکارهای کاهش آن در ایران»، مهندسی فرهنگی (۱۳۸۷) سال دوم، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۶۸-۷۹.
- [۳۷]. صادقی فسایی، سهیلا و کلهر، سمیرا (۱۳۸۶) «ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه سوم توسعه»، مجله پژوهش زنان، دوره پنجم، شماره ۲، ۲۸-۵.

تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی ۸۳

- [۳۸]. صدیق‌سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۶) «آیا خانواده ایرانی در بحران است؟»، مجله حورا، شماره ۵، ۲۵.
- [۳۹]. طالب، مهدی و عبیری، موسی (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- [۴۰]. عبدی، عباس و گودرزی، محسن (۱۳۷۸) تحولات فرهنگی در ایران، چاپ اول، تهران: روش.
- [۴۱]. عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۰) بررسی ابعاد تأثیرات مدرن شدن بر تغییرات خانواده ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی، رشته پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۴۲]. غروی، سید محمد (۱۳۸۵) «خانواده در اسلام»، مجله حورا، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵، شماره ۱۹.
- [۴۳]. فاضلی، نعمت‌اله و علینقیان، شیوا (۱۳۹۱) «گونه‌شناسی الگوهای در حال ظهور زندگی خانوادگی در شهر تهران»، مجموعه مقاله‌های اعضای کارگروه زنان و فرهنگ شهری، ۹۲-۱۱.
- [۴۴]. فتاحی‌مفرح، مریم (۱۳۷۹) بررسی وضعیت خشونت نسبت به زنان در خانواده‌های ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۴۵]. فرجاد، حسین (۱۳۷۲) آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، چاپ اول، تهران: منصوری.
- [۴۶]. فروغیان، شهین (۱۳۵۳) خانواده دوره قاجاریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۴۷]. فلک، محمدرضا (۱۳۵۳) علل از هم گسیختگی خانواده در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۴۸]. فلور، ویلم (۱۳۶۵) جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، (ترجمه ابوالقاسم سَری)، جلد ۲، چاپ اول، تهران: توس.
- [۴۹]. فوران، جان (۱۳۸۳) مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، (ترجمه ی احمد تدین)، چاپ پنجم، تهران: رسا.
- [۵۰]. فیاض، ابراهیم (۱۳۸۷) ایران آینده به سوی الگویی مردم‌شناختی برای ابرقدرتی ایران، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۵۱]. قراگزلو، پونه (۱۳۸۷) بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر وجود پدرسالاری و تقسیم قدرت در خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۵۲]. گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶) جنگ علیه خانواده، (ترجمه معصومه محمدی)، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- [۵۳]. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی، (ترجمه منوچهر صبوری)، چاپ دهم، تهران: نی.
- [۵۴]. لاجوردی، هاله (۱۳۷۶) ساختار قدرت در خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۵۵]. لول‌آور، منصوره (۱۳۹۰) تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر ویژگی‌های جامعه مدرن بر تحول خانواده تهرانی طی سه دهه اخیر، پایان‌نامه دکترا، رشته جامعه‌شناسی نظری فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۵۶]. لوکاس، دیوید و میر، پاول (۱۳۸۴) درآمدی بر مطالعات جمعیتی، (ترجمه حسین محمودیان)، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- [۵۷]. محسنی، منوچهر و پور‌رضا انور، ابوالقاسم (۱۳۸۲) ازدواج و خانواده در ایران، چاپ اول، تهران: آرون.

- [۵۸]. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸) *مسأله حجاب*، تهران: صدرا.
- [۵۹]. معیدفر، سعید (۱۳۸۵) *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، چاپ اول، همدان: نور علم.
- [۶۰]. مک‌کارتی، جین ریبنز و ادواردز، روزالیند (۱۳۹۰) *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*، (ترجمه محمد مهدی لیبی)، چاپ اول، تهران: علم.
- [۶۱]. موسوی چلک، حسن (۱۳۸۵) «تحلیل آمار ازدواج و طلاق در کشور طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳»، *پیام زن*، شماره ۱۷۰.
- [۶۲]. مهدوی، محمد صادق (۱۳۷۷) *بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج (نگرشی جامعه‌شناختی به مشکلات ازدواج جوانان در شهر تهران)*، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- [۶۳]. مهدی، علی اکبر (۱۳۵۴) *در جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، چاپ اول، تهران: پیام.
- [۶۴]. مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹) *زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی*، چاپ اول، تهران: نشر آفرینش و روزگار.
- [۶۵]. نقوی، محمد علی (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی غرب‌گرایی*، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- [۶۶]. نیک خلق، علی اکبر (۱۳۸۷) *جامعه‌شناسی روستایی*، چاپ سوم، تهران: چاپخش.
- [۶۷]. نیک خواه قمصری، نرگس (۱۳۸۹) *تحول گفتمان جنسیت در ایران بعد از انقلاب*، پایان نامه دکترای رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- [۶۸]. ورکیانی، فرحناز (۱۳۸۴) «خانواده ی ایرانی؛ امروز، دیروز، فردا: گفت و گو با دکتر باقر ساروخانی»، *مجله آموزش علوم اجتماعی*، دوره هشتم، شماره ۳، ۳-۸.
- [۶۹]. وینر، مایرون (۱۳۵۴) *نوسازی جامعه*، (ترجمه مقدم مراغه‌ای)، چاپ اول، تهران: فرانکلین.

[70]. Chandler Sabourin, T (2003) *The Contemporary American Family*, Thousand Oaks, CA: Sage.

[71]. <http://www.sabteahval.ir/Default.aspx?tabID=894>

[72]. [www.women.gov.ir](http://www.women.gov.ir)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی